



سخن سردبیر

این جنبش با همه طرفداران و مخالفانی که در طول تاریخ داشته است، تا چه حد توانسته موفق عمل کند؟ با برپایی این جنبش چه میزان پیشرفت و تغییر در وضعیت زنان ایجاد شد؟ آیا این تغییرات همگی مثبت بوده است؟ برای پاسخ به این سوالات لازم است ابتدا درباره این جنبش اطلاعات بیشتری کسب کنیم، ابعاد مختلف آن را بسنجیم و زمان شکل گیری، علت شکل گیری، افرادی که در شکل گیری آن نقش داشته اند، انواع آن و... را بشناسیم. سپس به نقد و بررسی جنبه های مختلف آن بپردازیم. در این شماره نشریه تلاش می کنیم در راستای نیل به این اهداف گام برداریم. پس با ما همراه باشید

نشان می دهد. اعتراضات به وضعیت زنان هم همواره جزو موضوعات به روز و جنجال برانگیز بوده است. موضوعاتی چون زنده به گور کردن دختران، نداشتن حق رای، به حساب نیامدن در شمار شهروندان و بسیاری دیگر از ظلم هایی که در حق زنان شده، آنان را به فکر تغییر اوضاع و باز پس گیری حقوق و آزادی خویش انداخته است. از اینجا جنبشی تحت عنوان فمینیسم شکل گرفت. جنبشی که از نتایج آن، دادن حق رای به زنان بود. در باب موج های مختلف این جنبش، انواع آن ها، طریقه شکل گیری، افکار و ... سخن بسیار می توان گفت. آنچه بیشتر مطرح می شود این است که

روزانه با افراد بسیاری مواجه می شویم؛ برخی شاد و برخی غمگین اند، برخی احساس شادی و خوشبختی دارند و عده بسیاری هم احساس خوشبختی نمی کنند. نکته مشترک میان غالب این افراد، احساس بدبختی درباره خود و حسرت زندگی دیگران است. احساسی که باعث می شود تحت هر شرایطی معترض باشند! حال گاهی این اعتراضات رنگ و بوی دیگری به خود می گیرد. زمانی که منافع فرد در میان باشد یا اگر فرد احساس کند ظلمی صورت پذیرفته جدی تر می شود و یا اگر دوگانه ای چون سفید یا سیاه، زوج یا فرد و زن یا مرد مطرح باشد قطعاً واکنش شدیدتری از خود

فِمِ نِیسِم

در طول تاریخ، شاهد نادیده گرفته شدن زنان و تأثیرگذاری آن‌ها به‌عنوان نیمی از جامعه بوده‌ایم. تا جایی که در دورانی زن به‌عنوان انسان شناخته نمی‌شد و در هنگام قحطی برای استفاده از گوشتش به قتل می‌رسید. جنس دوم معرفی می‌شد؛ نسخه ناقص مرد و عامل فریب آدم و هبوط او از بهشت. تولد دختر ننگی بود برای قبیله و زنده‌به‌گور کردنش، راه نجات از این ننگ. و تا همین دهه‌های اخیر

محروم بود از تحصیل و حق رأی.

تبعیض و بی‌عدالتی بین مرد و زن عاملی شد برای شکل‌گیری مکتب‌هایی برای گرفتن حقوق زنان و مستقل کردن آنان از مردها.

فمینیسم یعنی چه؟

در فرهنگ واژگان فرانسوی، فم (Femme) به‌معنای موجود انسانی با جنسیت مؤنث است. ورود واژه فمینیسم به زبان فرانسوی، به سال 1837 میلادی بازمی‌گردد؛ آغاز جنبشی برای بازپس‌گیری حقوق، آزادی و نقش اجتماعی زنان. هرچند این واژه در ابتدای قرن 19م وارد زبان فرانسوی شد اما فعالیت‌هایی برای برقراری عدالت و اعتراض علیه ظلم به زنان پیش از آن و در آثار نویسندگان ابتدای قرن 17 ام قابل مشاهده است.

فعالیت‌های این جنبش به سه موج مختلف قابل تفکیک است:

موج اول-جنبش حق رأی

جرقه شروع این موج به اعلام رأی منفی پارلمان فرانسه برای اعلامیه حقوق زنان بازمی‌گردد. ماری ویلستون کرافت، مادر جنبش فمینیسم، با الهام از این لایحه در انگلستان مقاله‌ای با عنوان دادخواست حقوق زنان منتشر می‌کند و نسبت به قانونی که دختران را از برابری آموزشی با پسران محروم کرده، اعتراض می‌کند. این اعتراض‌ها در آثار فرهنگی و ادبی زنان ادامه می‌یابد. پس از آن نیز در کشورهای نظیر فرانسه و آمریکا به مردسالاری آشکار حاکم بر بیانیه حقوق بشر اعتراض‌هایی شکل می‌گیرد. این موج که به جنبش حق رأی نیز معروف است، به‌صورت رسمی از اواخر قرن 18 آغاز شده و تا اوایل قرن بیستم نیز ادامه‌می‌یابد.

موج دوم-جنبش آزادی زنان

موج دوم فمینیسم بعد از سکوتی 40 ساله از سال 1960 آغاز می‌شود. موج دوم که به‌عنوان جنبش آزادی زنان نیز شناخته می‌شود، طیف گسترده‌ای از حقوق ازجمله حقوق رسمی، خانوادگی، محل کار و حقوق مربوط به باروری را مورد توجه قرارمی‌دهد. در این دوره، مشاغل فمینیستی نظیر کتاب‌فروشی‌های

کل اگر طیب بودی ...

زینب محبی

کارشناسی هوافضا



او اولین نویسنده حقوق زنان لقب‌گرفته و شهرتش را مدیون تألیف کتاب «احقاق حقوق زنان» است. مری در خانواده‌ای ازهم‌پاشیده در لندن به دنیا آمد؛ خانواده‌ای که در آن همواره شاهد مستی پدر و کتک‌خوردن‌های مادرش بود. او با آرزوی نویسندگی بزرگ شد و در اواخر قرن هجدهم که تغییر و تحولات بزرگی در اروپا رخ داد، طی آشنایی با روشنفکران و فیلسوفان در جریان تغییرات اجتماعی قرارگرفت و با نوشتن جزوه‌ای در حمایت از انقلاب فرانسه، جایگاهی در حلقه‌های ادبی یافت. جایگاهی که آن زمان برای زنان بسیار نادر و دور از دسترس بود.

عشق به انقلاب فرانسه مری را به پاریس کشاند. مری در پاریس با یک آمریکایی رابطه پرشور عاشقانه‌ای برقرار کرد. اما شکست در این رابطه که از آن بدون ازدواج فرزند دختری حاصل شد بود، او را به سوی افسردگی و یک خودکشی ناموفق راند.

پس از التیام این رابطه، با ویلیام گودوین رابطه عاشقانه آغاز کرد. بارداری سبب شد که آن دو تصمیم به ازدواج بگیرند. اما مری به هنگام زایمان درگذشت.

مری ولستون کرافت، که از پیشگامان جنبش فمینیسم بود، نقد خود را از پیش‌داوری‌های سنتی مردانه درباره سرشت زنان که آن‌ها را موجوداتی عاطفی، ضعیف، سلیطه و شیء جنسی می‌پنداشت، آغاز کرد. او مدعی شد که اگر زنان رفتاری می‌کنند که درخور شأن و شخصیتشان نیست، حاصل فرهنگ و جامعه‌ای است که آن‌ها را از پیشرفت و شکوفایی شخصیت انسانی‌شان بازداشته است.

کرافت بیش از هر مسئله دیگر زنان، بر خرد و خودمختاری ایشان تأکید داشت. وی در کتابش بیش از آنکه در پی آزادی سیاسی و اجتماعی زنان باشد، بر خصلت عقلانیت زن تأکید دارد.

آن‌چه در نظریات و زندگی کرافت به چشم می‌خورد، تناقضی آشکار است. از سویی زنان را به عقلانیت فرامی‌خواند و از طرفی چنان در روابط عاطفی و عاشقانه فرو می‌رود که نافرجامی آن‌ها، او را به خودکشی می‌کشاند. او موفق به مقابله با ساختارهای اجتماعی و تربیتی‌ای که نقدشان می‌کرد، نشد و در زندگی خصوصی‌اش برخلاف آموزه‌های خویش عمل کرد.

ایا صرف داشتن تجربه، مطالعه و نظریات ساختارشکنانه، برای تبدیل یک فرد به الگو و ارائه نظریات وی به‌عنوان راه‌حل برون‌رفت از مشکلات زنان کافی است؟

فمینیسم، عدالت یا برابری؟

لیبرالی معاصر، زنان را مساوی با مردان تلقی نمی‌کنند؛ از این‌رو لازم است این قوانین مورد اصلاح و بازنگری قرارگیرند تا در پی آن، جنسیت به عنوان مبدأ بی‌عدالتی اجتماعی به رسمیت شناخته شود و به زنان، واقعاً و نه به نحو صوری، حقوق مساوی یا آنجا که موقعیت خاص اجتماعی آن‌ها اقتضا می‌کند، حقوق خاص اعطا گردد.

فمینیست‌ها برای دستیابی به عدالت اجتماعی، هر گروه از آنان دستیابی به عدالت را در مورد زنان، به یک نحو تفسیر می‌کنند و نظریه فمینیست‌های دیگر را ناقض عدالت معرفی می‌کنند. به‌عنوان نمونه بانیمان طرح تساوی، در ابتدا تساوی کامل حقوقی میان زن و مرد را موردنظر خویش قراردادند اما بعداً متوجه گردیدند که این تساوی کامل حقوقی، به ضرر زنان تمام می‌شود و موجب استیفای حقوق آن‌ها نمی‌گردد و آن‌ها نیاز دارند حداقل در بعضی مواقع از حقوق ویژه‌ای برخوردار باشند، البته در تعیین این امر که حقوق ویژه مربوط به زنان در چه مواردی باشد، اتفاق‌نظر میان آن‌ها وجود نداشت. همچنین طرح تغییر، زمانی مطرح گردید که طرح تساوی به شکست

مردان به رسمیت بشناسد. از گوی تغییر: الگوی تغییر، همچون الگوی تساوی در راستای ایجاد هماهنگی میان ارزش‌های لیبرالی مربوط به قانون و بین رفتار واقعی قانون با زنان به‌وجودآمد. بانیمان این طرح، نظریه تساوی را که تنها ازطریق اصلاح رفتار قانونی یا اصلاح حقوق لیبرال درصدد رفع این تفاوت است، ناکافی و محکوم به شکست می‌دانند؛ زیرا این الگو با حفظ

کامل خویش برخوردار نیستند؛ زیرا حقوق مساوی، متناسب با جایگاه اجتماعی زنان نمی‌باشد. از این‌رو زنان نیازمند حقوقی ویژه هستند تا موقعیت اجتماعی خاص و متفاوت آن‌ها را نسبت به موقعیت مردان به رسمیت بشناسد. الگوی تغییر: الگوی تغییر، همچون الگوی تساوی در راستای ایجاد هماهنگی میان ارزش‌های لیبرالی مربوط به قانون و بین رفتار واقعی قانون با زنان به‌وجودآمد. بانیمان این طرح، نظریه تساوی را که تنها ازطریق اصلاح رفتار قانونی یا اصلاح حقوق لیبرال درصدد رفع این تفاوت است، ناکافی و محکوم به شکست می‌دانند؛ زیرا این الگو با حفظ

کامل خویش برخوردار نیستند؛ زیرا حقوق مساوی، متناسب با جایگاه اجتماعی زنان نمی‌باشد. از این‌رو زنان نیازمند حقوقی ویژه هستند تا موقعیت اجتماعی خاص و متفاوت آن‌ها را نسبت به موقعیت مردان به رسمیت بشناسد. الگوی تغییر: الگوی تغییر، همچون الگوی تساوی در راستای ایجاد هماهنگی میان ارزش‌های لیبرالی مربوط به قانون و بین رفتار واقعی قانون با زنان به‌وجودآمد. بانیمان این طرح، نظریه تساوی را که تنها ازطریق اصلاح رفتار قانونی یا اصلاح حقوق لیبرال درصدد رفع این تفاوت است، ناکافی و محکوم به شکست می‌دانند؛ زیرا این الگو با حفظ

لیبرالی معاصر، زنان را مساوی با مردان تلقی نمی‌کنند؛ از این‌رو لازم است این قوانین مورد اصلاح و بازنگری قرارگیرند تا در پی آن، جنسیت به عنوان مبدأ بی‌عدالتی اجتماعی به رسمیت شناخته شود و به زنان، واقعاً و نه به نحو صوری، حقوق مساوی یا آنجا که موقعیت خاص اجتماعی آن‌ها اقتضا می‌کند، حقوق خاص اعطا گردد.

فمینیست‌ها برای دستیابی به عدالت اجتماعی، هر گروه از آنان دستیابی به عدالت را در مورد زنان، به یک نحو تفسیر می‌کنند و نظریه فمینیست‌های دیگر را ناقض عدالت معرفی می‌کنند. به‌عنوان نمونه بانیمان طرح تساوی، در ابتدا تساوی کامل حقوقی میان زن و مرد را موردنظر خویش قراردادند اما بعداً متوجه گردیدند که این تساوی کامل حقوقی، به ضرر زنان تمام می‌شود و موجب استیفای حقوق آن‌ها نمی‌گردد و آن‌ها نیاز دارند حداقل در بعضی مواقع از حقوق ویژه‌ای برخوردار باشند، البته در تعیین این امر که حقوق ویژه مربوط به زنان در چه مواردی باشد، اتفاق‌نظر میان آن‌ها وجود نداشت. همچنین طرح تغییر، زمانی مطرح گردید که طرح تساوی به شکست

مردان به رسمیت بشناسد. از گوی تغییر: الگوی تغییر، همچون الگوی تساوی در راستای ایجاد هماهنگی میان ارزش‌های لیبرالی مربوط به قانون و بین رفتار واقعی قانون با زنان به‌وجودآمد. بانیمان این طرح، نظریه تساوی را که تنها ازطریق اصلاح رفتار قانونی یا اصلاح حقوق لیبرال درصدد رفع این تفاوت است، ناکافی و محکوم به شکست می‌دانند؛ زیرا این الگو با حفظ

کامل خویش برخوردار نیستند؛ زیرا حقوق مساوی، متناسب با جایگاه اجتماعی زنان نمی‌باشد. از این‌رو زنان نیازمند حقوقی ویژه هستند تا موقعیت اجتماعی خاص و متفاوت آن‌ها را نسبت به موقعیت مردان به رسمیت بشناسد. الگوی تغییر: الگوی تغییر، همچون الگوی تساوی در راستای ایجاد هماهنگی میان ارزش‌های لیبرالی مربوط به قانون و بین رفتار واقعی قانون با زنان به‌وجودآمد. بانیمان این طرح، نظریه تساوی را که تنها ازطریق اصلاح رفتار قانونی یا اصلاح حقوق لیبرال درصدد رفع این تفاوت است، ناکافی و محکوم به شکست می‌دانند؛ زیرا این الگو با حفظ

کامل خویش برخوردار نیستند؛ زیرا حقوق مساوی، متناسب با جایگاه اجتماعی زنان نمی‌باشد. از این‌رو زنان نیازمند حقوقی ویژه هستند تا موقعیت اجتماعی خاص و متفاوت آن‌ها را نسبت به موقعیت مردان به رسمیت بشناسد. الگوی تغییر: الگوی تغییر، همچون الگوی تساوی در راستای ایجاد هماهنگی میان ارزش‌های لیبرالی مربوط به قانون و بین رفتار واقعی قانون با زنان به‌وجودآمد. بانیمان این طرح، نظریه تساوی را که تنها ازطریق اصلاح رفتار قانونی یا اصلاح حقوق لیبرال درصدد رفع این تفاوت است، ناکافی و محکوم به شکست می‌دانند؛ زیرا این الگو با حفظ

کامل خویش برخوردار نیستند؛ زیرا حقوق مساوی، متناسب با جایگاه اجتماعی زنان نمی‌باشد. از این‌رو زنان نیازمند حقوقی ویژه هستند تا موقعیت اجتماعی خاص و متفاوت آن‌ها را نسبت به موقعیت مردان به رسمیت بشناسد. الگوی تغییر: الگوی تغییر، همچون الگوی تساوی در راستای ایجاد هماهنگی میان ارزش‌های لیبرالی مربوط به قانون و بین رفتار واقعی قانون با زنان به‌وجودآمد. بانیمان این طرح، نظریه تساوی را که تنها ازطریق اصلاح رفتار قانونی یا اصلاح حقوق لیبرال درصدد رفع این تفاوت است، ناکافی و محکوم به شکست می‌دانند؛ زیرا این الگو با حفظ

صرفاً جهت اطلاع!!

#metoo

هشتگ تجربیات خود را به اشتراک بگذارند، همه‌گیر شد. روز یکشنبه، پانزدهم اکتبر، الیسا میلانو بازیگر آمریکایی در توییته نوشت: «پیشنهاد یک دوست: اگر همه زنانی که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند در استاتوس خود بنویسند «من هم»، وسعت این معضل به چشم خواهد افتاد. اگر تجربه‌ای با آزار WW آمد.» او از هوادارانش خواست تا جنسی داشته‌اند زیر پست او بنویسند «من هم». توییته او بیش از ۳۷ هزار کامنت دریافت کرد و این هشتگ، تبدیل به ترند نخست توییتر در بریتانیا و آمریکا شد. در فیس بوک نیز تا بعدازظهر دوشنبه، هفت میلیون نفر، «من هم» را به بحث گذاشتند. پس از این اقدام وی، این هشتگ حدود ۵۰۰۰۰۰ بار توسط افراد مختلف که شامل بسیاری از افراد مشهور بود استفاده شد



فمینیسم، آری یا خیر؟

۱ مقدمه

فمینیسم همانند اغلب نگره‌های فلسفی دیگری که دامنه گسترده دارند، گونه‌های متنوعی را در دل خود جای می‌دهد. بر آن شدیم تا طیف‌های مختلف این جریان را یک‌جا گردآوری کنیم و مقابل دیدگان شما قرار دهیم.

۴ فمینیسم سوسیالیستی

به‌هم‌پافتن تار و پودهای متعدد نظریات فمینیستی وظیفه‌ای است که ظاهراً **فمینیست‌های «سوسیالیست»** از عهده آن به خوبی برآمده‌اند. جولیت میچل (Juliet Mitchell)، روانکاو انگلیسی، در اثر «جایگاه حقوقی زنان» خود چنین استدلال کرده است که وضعیت کنونی زن محصول جبری چندجانبه است که از سوی ساختارهای تولید (برگرفته از فمینیسم مارکسیستی)، ساختارهای تولید مثل (برگرفته از فمینیسم رادیکال)، و ساختارهای جامعه‌پذیری کودکان (برگرفته از فمینیسم لیبرال) اعمال می‌شود. تا کارکرد و منزلت زن در تمامی این ساختارها دگرگون نشود، رسیدن به کمال آزادی برای او رویای دست‌نیافتنی خواهد بود.

۲ فمینیسم مارکسیستی

فمینیست‌های «مارکسیست» به هسته اصلی آموزه‌های انگلس (Fried Engels)، فیلسوف آلمانی، در منشأ خانواده وفادار باقی مانده‌اند. آنان همچنان زنان را کم و بیش به ورود به عرصه عمومی صنعت تشویق می‌کنند و همچنان بر اجتماعی شدن خانه‌داری و بچه‌داری پافشاری دارند. از این گذشته، همچنان برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند که هدف آن نابودی واحد اقتصادی خانواده است که آن را ساختاری در خدمت تقویت نظام سرمایه‌داری می‌دانند. و نهایتاً این که مارکسیست‌ها بیش از هر گروه فمینیستی دیگر دغدغه رفاه و استقلال اقتصادی زنان را داشته‌اند و قانون توجه ایشان، فصل مشترک تجربیات زنان در مقام کارگر و در مقام عضوی از خانواده بوده است. فمینیست‌های غیرمارکسیست از چندین جهت به طرح مبارزه برای دستمزد خانه‌داری تاخته‌اند اما انتقاد اصلی آنان، در اصل متوجه تصور به‌ظاهر ساده‌انگارانه فمینیسم مارکسیستی از مفهوم خانواده و قلمداد کردن ماهیت و کارکرد کار زنان به منزله تنها راه، یا بهترین راه شناخت و محو ستم بر زنان است.

۵ فمینیسم اگزستانسیالیستی

فمینیسم «اگزستانسیالیسم»ها، همسری و مادری را نقش‌های زنانه‌ای می‌دانستند که راه زن برای دستیابی به آزادی را سد می‌کنند. پس گمان می‌کنیم که زنان با ایفای نقش زن شاغل یا متخصص یعنی زنی که خوش‌بختی او به خشنودی یک مرد خاص یا فرزندانش بستگی ندارد، می‌تواند از دام زنانگی رهایی یابد. واقعیت این است که شرایط یک زن شاغل به‌مراتب از همسر و مادر خانه‌دار بدتر است چون از او انتظار می‌رود علاوه بر موفقیت شغلی اش، همیشه و همه‌جا زن باشد و زنانه رفتار کند. زن شاغل اگر صرفاً علاقه به پیشرفت حرفه‌ای را در خود پرورش دهد، به این احساس تأسف گرفتار خواهد شد که از تجسم زنانگی، یعنی یک زن آراسته با ناخن‌های مانیکور شده، دور می‌شود و از طرفی اگر تنها به ظاهر خود توجه نشان بدهد، احساس می‌کند از شغل خود (که به خلاف او لازم نیست متصف به خودشیفتگی باشد) عقب می‌ماند. وقتی سیمون دوبووار (Simone De Beauvoir)، فیلسوف فرانسوی، از زنان می‌خواهد از محدوده درون‌مانای خویش فراتر روند، انتظار ندارد هستی خود را نفی کنند؛ بلکه می‌خواهد موانعی را که بر سر راه پیشرفت ایشان به سوی خویشی مستقل وجود دارد، از میان بردارند.

۳ فمینیسم رادیکال

فمینیسم «رادیکال» نظریه‌ای پویاست که تحول و تکامل آن در چندین جهت هنوز هم ادامه دارد. در سال‌های اخیر توجه فمینیست‌های رادیکال به پدیده مادریت «میانجی» یا «قراردادی» جلب شده است. یعنی قراردادی که به موجب آن شخصی به استخدام درمی‌آید تا کودکی را بزاید و شخص دیگری او را بزرگ کند. فمینیست‌های رادیکال دست‌کم به یک دلیل به مادری قراردادی خردمی‌گیرند: اینکه وقتی جامعه زنی را به کرایه‌دادن زهدان خود تشویق می‌کند، بیم آن می‌رود که با تبدیل شدن تولیدمثل به شیوه تولید کالا، درواقع جنبه انسانی آن زودده شود. علاوه بر این، رادیکال‌فمینیست‌ها معتقدند ستم بر زنان، محصول نظام مردسالاری است که قدرت، سلطه، سلسله‌مراتب و رقابت از ویژگی‌های آن است. نظام مردسالاری اصلاح‌پذیر نیست و باید آن را ریشه‌کن کرد؛ نه تنها از ساختارهای سیاسی و قانونی، بلکه نهادهای فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه دانشگاه‌ها و کلیساها نیز باید سرنگون شوند.

۶ فمینیسم لیبرال

فمینیست‌های «لیبرال» گرایش خود به اینکه تنها ارزش‌های مردانه را ارزش‌های انسانی تلقی کنند، اعلام کرده‌اند. فمینیست‌های غیرلیبرال انتقادهایی به این دسته وارد کرده‌اند؛ به‌ویژه به سبب تأکید بیش از اندازه‌ای که بر اهمیت آزادی فردی نسبت به مصلحت جمعی دارند و گرایش به اینکه انسان‌گرایی فارغ از جنسیت را از انسان‌گرایی حساس به جنسیت بالارزش‌تر شمرند. ما بسیاری از اصلاحات قانونی و آموزشی را که به کیفیت زندگی زنان بهبود بخشیده است را به فمینیسم لیبرال مدیون هستیم. بعید بود بدون تلاش لیبرال‌فمینیست‌ها این همه زن بتوانند در شغل و حرفه به مراتبی که اکنون رسیده‌اند دست‌یابند. این‌گونه اصلاحات را نه باید بدیهی شمرد و نه همچون موفقیت‌هایی که در گذشته کسب شده‌اند، به خاطر سپرد. این‌ها هنوز تا تضمین کامل تمامی دستاوردهای آموزشی و شغلی زنان راه درازی در پیش دارند.



گردآورنده: **زهرا اکبری** (کارشناسی مهندسی شیمی)

منبع: کتاب در آمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، رزمی تانگ، ترجمه منیژه نجم عراقی





مقدمه

ابتدا نگاهی اجمالی به تاریخ و نوع شکل‌گیری سینمای فمینیسم می‌اندازیم.

فمینیست‌ها فرهنگ غرب را مردسالار توصیف کرده‌اند و علاوه بر نقادی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به صنعت سینما نیز با همین نگاه نگریده‌اند.

در اواخر دهه ۶۰ میلادی، موج دوم فمینیسم به سمت چپ جدید رفت. هر دوی این جنبش‌ها به شدت با سینمای غالب به مخالفت برخاستند. سینمای غالب مثل سینمای هالیوود و سینمای هنری و مردانه‌اروپایی. هالیوود متهم به انتشار مضامین سکسی، نژادی و امپریالیستی بود. زنان شروع به ساختن مجموعه مستندهای کوتاهی کردند. فیلم‌های فمینیستی اولیه اکثراً بر تجارب شخصی متکی بود. یکی از مشخص‌ترین آن‌ها فیلم «واندا» ساخته باربارا لودن است.

مقارن اواخر دهه ۱۹۷۰ نه تنها مطالعات سینمایی، خود را به‌عنوان یک رشته دانشگاهی تثبیت کرده‌بود، بلکه سینمای زنان هم مخاطبانی میان فمینیست‌ها یافته بود. مقاله «لذت بصری و سینمای روایی» مالوی هم در این زمان نوشته شد.

«لورا مالوی» نویسنده مقاله لذت بصری و سینمای روایی می‌گوید: «در چارچوب داستان فیلم، شخصیت‌های مرد به سمت شخصیت‌های زن خیره می‌شوند. تماشاچی در طول بازی با نگاه مردانه هویت می‌یابد؛ به این دلیل که دوربین از عینک و منظر شهوانی شخصیت مرد فیلم‌برداری می‌کند. بنابراین سه سطح از خیره‌شدن سینمایی (دوربین، شخصیت و تماشاگر) وجود دارند که به شخصیت زن عینیت می‌بخشند و او را داخل یک صحنه‌نمایش قرار می‌دهند. در سینمای کلاسیک اطفای شهوت از طریق دیدن به‌طور تلویحی بر این موضوع دلالت دارد که زنان به‌عنوان قابل‌نگاه‌بودن نگریده می‌شود.

دهه هشتاد میلادی دوران اوج‌گیری نظریات فمینیستی

فمینیسم در سینما

فیلم است. دورانی که نظریه‌پردازان برجسته‌ای همچون کایا سیلورمن، ترزا دولارتیس و باربارا کرید با طرح نظریات خود پیرامون سینما و مسائل زنان رویکردهای متفاوتی را بنیان نهادند که تأثیر آن‌ها از حوزه نظریه‌فیلم فراتر رفته و اغلب نظریات فمینیستی را شامل گردیده‌اند.

اغلب تئوری‌های فیلم فمینیستی، سؤالاتی را درمورد نگاه مردانه و صحنه‌نمایش زنانه مطرح می‌کنند و غالب منتقدان موافقت که نگاه بیننده در سینما صراحتاً مردانه است. اما آیا مخاطبان سینما به تعبیر مالوی منفعل هستند یا اینکه دستمایه منفعل نگاه خیره (فعال) مردانند؟ آیا تأکید بیش از حد مالوی بر ترس زنان از منفعل بودن (که سمبلی از عدم قدرت و تسلط است) در فیلم‌هایی مانند فیلم‌های «هیچکاک» ناشی از فرورفتن بسیار در اصول روانکاوی «فروید» نیست؟ اصولی که در دهه ۵۰ و ۶۰ فراگیر و عمومی شده بود اما در سال‌های بعد مورد انتقادات بسیار قرارگرفت؟

اغلب تئوری‌های فیلم فمینیستی، سؤالاتی را در مورد نگاه مردانه و صحنه‌نمایش زنانه مطرح می‌کنند و غالب منتقدان موافقت که نگاه بیننده در سینما صراحتاً مردانه است.

نگاهی اجمالی به چند اثر در طول تاریخ سینما

همان‌طور که گفته شد در سینمای کلاسیک، شخصیت‌های زن (اغواگر، دلربا و فاحشه) در تمام این ژانرها تکرار شده و تنها آرایش متفاوتی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال در فیلم فرانسوی زن اغواگر (femme fatale) تنها اضافه شدن این شرارت به او و جایگزینی آن با معصومیت و عاشق‌پیشگی، زنان فیلم‌های نوار را نسبت به سایر ژانرهای سینمای کلاسیک متفاوت



جلوه‌داده‌است. اما در نهایت باز هم آنان نماینده‌زن نوعی هستند؛ یعنی زنی که صرفاً به نمایش درآمده است. حال نگاهی به سینمای امروز بیندازیم و ببینیم که نگرش فمینیستی مخالف سینمای کلاسیک، جایگاه زن را چقدر ارج داده‌است؟!

قهرمانان زن سینما باز هم با تکیه بر اندام جنسی در تلفیق با اعمال مردانه به بازتولید همان گفتمان حاکم قبلی دامن‌زده‌اند. زنانی که دیزاینی برگرفته از ارائه تفاوت جنسی دارند و در عین حال دست به اعمال خارق‌العاده می‌زنند. سپردن چنین نقش‌هایی به آنان به‌واقع موجب تغییر گفتمان قبلی نگردیده است. در انتهای فیلم باز هم به تملک زن تحت سیطره نگاهی مردانه منجر می‌شود. به‌عنوان مثال فیلم Wonder Woman را در نظر بگیرید.

ابرقهرمان واندر وومن در سال ۲۰۱۶ به‌عنوان سفیر افتخاری سازمان ملل انتخاب شد تا انتقال‌دهنده پیام‌های این سازمان دربار قانون‌مدسازی زنان و خشونت جنسیتی باشد.

ادامه در صفحه بعد ...

... ادامه از صفحه قبل

اگر دقت کنید می‌بینید که باز هم سینمای فمینیستی غرب، در حق زنان ظلم کرده و زنان را در حالی شگفت‌انگیز و منحصر به فرد می‌بیند که دارای نیروهای خارق‌العاده از جنس مردانه باشند.

سینمای فمینیسم مدام در حال سرکوب نقش‌های منحصر به فرد زنانه است و همواره مخاطب را وادار به انتخاب مابین یکی از نقش‌های زنانه و موفقیت اجتماعی می‌کند. گویی کسی که درگیر نقش‌های زنانه شود باید قید پیشرفت را بزند!

در هیچ‌یک از فیلم‌های ابرقهرمانی، زنان، مادر و صاحب خانواده نیستند؛ حتی در فیلم انتقام‌جویان تنها کسی که در فیلم عقیم و ناباور است، ناتاشا رومانف است و طبق گفته خودش در فیلم، (هنگامی که هالک از او تقاضای ازدواج می‌کند) زمانی که تحت آموزش قرار گرفته و به نوعی برای آموزش بهتر، عقیم شده است.

دسته‌دیگر از فیلم‌ها مدام به دختران گوشزد می‌کند که نوع نگاهشان به مرد باید از بالا باشد و مردان را صرفاً برای ارضای نیازهای جنسی و خوش‌گذرانی ببینند. در فیلم How to be single می‌بینیم که مدام رایین به آلیس می‌گوید که نباید دل‌بسته‌مردی شود و از زندگی مجردی و رابطه با مردان مختلف لذت‌ببرد. در همین سریال خواهرآلیس تصمیم می‌گیرد که از طریق لقاح مصنوعی مادر شود. حتی زمانی که مردی می‌گوید که من در خانه می‌مانم و از بچه مراقبت می‌کنم باز هم مخالفت می‌کند.

فمینیسم در انیمیشن

اگر اهل تماشای انیمیشن باشید متوجه می‌شوید که بسیاری از انیمیشن‌ها، که با محوریت یک زن ساخته می‌شوند، غالباً دارای ویژگی‌ها و نکات مشترکی می‌باشند. در واقع هر کاراکتر زن با ویژگی‌های مشترک ولی با داستان و رنگ و لعاب‌های مختلف تکرار می‌شود. سه انیمیشن شجاع، یخ‌زده و موانا که به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ ساخته شده‌اند، به طور مستقیم به عقاید فمینیسم اشاره می‌کنند.

مسئله آزادی، دغدغه همه‌گرایش‌های فمینیسم از موج اول تا موج سوم می‌باشد. لذا شما می‌بینید که در این سه انیمیشن نیز به مسئله آزادی و نتیجه آن توجه شایانی شده و به شکل جذابی برای قبول مخاطب به تصویر کشیده شده است.

شجاع:

عدم توجه به ظاهر، ضعیف بودن مردان نسبت به زنان، زن‌سالاری و مخدوش کردن نقش پدر در خانواده، هنجارشکنی، آزادی

یخ‌زده:

همجنس‌گرایی زنان، عدم ازدواج و بی‌میلی به جنس مخالف، ضعف مردان نسبت به زنان، آزادی از سنت‌ها و خانواده

موانا:

آزادی، هنجارشکنی، برتری زنان نسبت به مردان، استقلال‌طلبی زنان

مؤلفه‌های بعدی که در این سه انیمیشن مدام تکرار می‌شود، ضعف مردان نسبت به زنان، سنت‌شکنی، عدم علاقه به ازدواج و استقلال‌طلبی می‌باشد. این امر علت‌های مختلفی دارد؛ یکی از آن‌ها «اخلاق فمینیستی» است. اخلاقیون فمینیستی آن مقدار که بر «قدرت» تأکید می‌ورزند، به این که [به لحاظ اخلاقی] چه خوب است، توجه ندارند. لذا بسیاری از فمینیست‌ها راجع به شیوه‌هایی که موجب می‌شود اخلاق سنتی، از زبردست بودن زنان، حمایت کند، بحث می‌کنند. آنان معتقدند که اخلاق سنتی، که در کشور ما از آن تعبیر به دین می‌شود، زنان را تشویق به صفاتی مثل فداکاری و صبر می‌کند که باعث سلطه‌پذیری بیشتر زنان می‌شود.

با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان فهمید که هدف از ساخت این‌گونه انیمیشن‌ها با تفرکات فمینیستی، متزلزل کردن بنیان خانواده می‌باشد. علت این که فمینیست‌ها این چنین دچار افراط و انحراف شده‌اند این است که معتقد به اومانیسیم و سکولاریسم می‌باشند و این

امر باعث شده که آنان در انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی دچار خطا و اشتباه شوند و نتیجه این اشتباه، ظلم به جامعه انسانی و خانواده و خصوصاً جنس زن می‌باشد.

جمع‌بندی

در آخر به صحبتی از استاد شهید بسنده می‌کنم:

شهید مطهری: بدبختی‌های قدیم غالباً معلول این جهت بود که انسان بودن زن به فراموشی سپرده شده بود و بدبختی‌های جدید از آن جهت است که عمدتاً یا سهواً زن بودن زن و موقعیت طبیعی و فطری‌اش، رسالتش، تقاضاهای غریزی‌اش و استعدادهای ویژه‌اش به فراموشی سپرده شده است.

منابع

– لذت دیداری و سینمای روایی از لورا مالوی فعال فمینیست که در سال ۱۹۷۳ نوشته و در سال ۱۹۷۵ منتشر شده است.

– مجله پیام زن، شماره ۱۷۴، شهریور ۱۳۸۵، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

– فیلم و فمینیسم ۱: دلارائیس و سوژگی زنانه در فیلم، محمدحسین میربابا

– فمینیسم، اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۲۱

– فمینیسم و دانش‌های فمینیسمی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴



اخبار دانشگاه

* شورای صنفی دانشگاه از تلاش‌ها برای بازگشایی استراحتگاه دختران بیش از ماه مبارک رمضان می‌گوید. استراحتگاه یکی از مواردی است که مدت‌هاست دختران دانشگاه جای خالی آن را احساس می‌کنند. حال پس از مدت‌ها پیگیری، خبرهای خوشی به گوش می‌رسد. به گزارش کمیته خوابگاه، رفاهی و تاسیسات شورای صنفی دانشگاه، کار نقاشی دیوارها و نصب کولر گازی نو به پایان رسیده و نظافت‌های پایانی در حال پیگیری است. امیدواریم تا پیش از شروع ماه مبارک رمضان، شاهد بازگشایی مجدد آن باشیم.

اخبار کنگره فاطمی

* برندگان مسابقه کتاب خوانی مشخص شدند.

مسابقه کتابخوانی با محوریت کتاب «قدرت و شکوه زن در کلام امام و رهبری» که به بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در ارتباط با زنان پرداخته است، در اسفند و فروردین ماه برگزار شد که با استقبال خوب مخاطبین مواجه شد و پس از قرعه‌کشی به عمل آمده میان برندگان، به سه نفر از این عزیزان «سهمیه نیم بهای شرکت در اردوی پاپوس عشق ۹۸» اعطا خواهد شد. اسامی این افراد به شرح زیر است:

۱. آقای عرفان خرایلی نجف آبادی
۲. آقای قاسم سلطان دوست
۳. خانم فاطمه افشارلو



زنان اختصاص می‌یابد.

* «نجمه خدمتی» نخستین سهمیه المپیک ۲۰۲۰ را برای ایران کسب کرد. «نجمه خدمتی» با قرار گرفتن در جایگاه پنجم جام جهانی تیراندازی، نخستین سهمیه المپیک ۲۰۲۰ (توکیو) را برای ایران کسب کرد.



داد. و در جمع ۵ وزنه بردار حاضر در گروه B دسته ۵۵ کیلوگرم به مقام چهارم رسید. او در حرکت یک ضرب وزنه های ۵۵ و ۵۸ کیلوگرم را بالای سر برد و همچنین در دو ضرب به ترتیب وزنه های ۷۵، ۸۰، ۸۵ کیلوگرم را بالای سر برد.

* نمایندگان مجلس با پیشنهاد فراکسیون زنان مجلس مبنی بر اختصاص حداقل یک ششم فهرست‌های انتخاباتی به زنان در حوزه‌های انتخابیه بالای ۶ کرسی نمایندگی مخالفت کردند. بر اساس این پیشنهاد، در کرسی‌های دارای ۴ و ۵ کرسی نمایندگی ۲ نفر از فهرست انتخاباتی به زنان اختصاص می‌یابد و در حوزه‌های دارای ۶ کرسی نمایندگی و بالاتر یک سوم فهرست انتخاباتی به

جدیدترین اخبار:

* ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) روز دختران و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این روز با هدف افزایش آگاهی و تشویق بیشتر دختران و زنان برای کار و تحصیل در این رشته است.

* وزنه بردار دختر ایران چهارم آسیا شد. اولین نماینده کشورمان در بیست و نهمین دوره رقابت‌های وزنه برداری قهرمانی بانوان بزرگسال آسیا به میزبانی نینگجو چین روی تخته رفت. «پویک بسامی» در رقابت گروه B دسته ۵۵ کیلوگرم با مجموع ۴۳ کیلوگرم به کار خود پایان

و مرد در جوامع صنعتی و نیمه صنعتی است تا همه دریابند که زنان چگونه میتوانند ضمن حضور فعالانه در عرصه اجتماع، خویشتن زنانه خود را که حافظ شالوده و بنیان خانواده است باز یابند و یا آن را حفظ کنند



شخصیت زن در جهان معاصر و بررسی آنها، هدف خویش را «یافتن نظریه ای که بیانگر حرف دل مادر، زن شاغل و همسر باشد» ذکر میکند. وی در یافتن این نظریه، از روانشناسی تحلیلی یونگ، روانشناس سوئیسی معاصر استفاده میکند و تلاش میکند تا با بیان نظرات یونگ به زبان ساده، سیمایی از زن معاصر را تصویر کند که ضمن آنکه پاسخگوی نیازهای زمانه در عصر انقلاب صنعتی است. ویژگی های زنانه شخصیت وی را نیز قویا مدنظر داشته باشد و جایگاه آنها را در متن زندگی خانوادگی و اجتماعی معاصر مشخص سازد

در قسمتی از کتاب میخوانیم: « زن موجودی چندوجهی است، درست مانند الماس. او را به سمتی دقیقاً در جهت نور بچرخانید. یک جنبه از شخصیتش بارز می شود حال اگر او را مانند الماس به سمت دیگر بچرخانید شخصی را خواهید یافت که کاملاً متفاوت است. نهایتاً تمام زنان برای اینکه حقیقتاً احساس کنند که ارضا شده اند باید در طول دوران حیاتشان جنبه های متنوع شخصیتشان را باهم در آمیزند و هر زنی باید این کار را به روش منحصر به فرد و شخصی خویش انجام دهد.» کتاب (زن بودن) ضمن آنکه بیانیه ای تکان دهنده علیه جنبه های منفی فمینیسم و شعارهای افراطی آن است، حاوی مطالبی است که مخاطب آن زن

کتاب (زن بودن) نوشته تونی گروت، روانشناس آمریکایی است که با تجربه خود و مراجعانش به این نتیجه رسیده است که نظریه های فمینیسم دروغ های بزرگی به زنان گفته و با این دروغ ها ظلم بزرگی به آنها روا داشته است.

در این کتاب، بیان شده است که چگونه زنان در جوامع صنعتی و متمدن معاصر از سرشت و فطرت طبیعی خود دور می شوند. دکتر گروت با تاکید بر نقش ابزاری زن در جوامع سرمایه داری کلان به این شعار معروف جنبش فمینیسم که (توان جسمی زنان با مردان برابر است) انتقاد میکند. وی انقلاب جنسی را عاملی برای آزادی زنان نمیداند و پیامد آن را در انحطاط کانون خانواده نشان میدهد. تجربه هایی که در این کتاب آمده، شواهدی محکم مبتنی بر صحت این اشتغال فکری و تفاوت های روانشناختی و بیویزیست شناختی میان دو جنس ارائه میدهد. نویسنده در این کتاب ضمن برشمردن وجوه گوناگون

در باره تصویر روی جلد:

اسیر ایرانی و دختر داریوش سوم «استاتیرا» جایگاه خود را در خطر می دید، سعی داشت انتقام خود را از او بگیرد. بنابراین، دنبال موقعیتی بود که غرور تمام ایرانیان را بشکند که نهایتاً با نقشه و به خواست او، اسکندر تخت جمشید را به آتش کشید و صدها سال تمدن فرهنگ و افتخار جهانی به خاکستر نشاند. اما در این باره که چرا تائیس نماد آزادی شد دو دیدگاه وجود دارد: یکی اینکه این مجسمه نمادی نشأت گرفته از فرهنگ اومانستی به جا مانده از یونان باستان است که انسان در اومانیسیم، آزادی بی قید و شرط و عنان گسیخته را می خواهد و دوم اینکه تائیس یادآور اسکندر است و به نظر بسیاری از محققان، اسکندر مروج هلینیسم یا یونانی مایی _تقلید از مجموعه تمدن و فرهنگ یونان_ در قلمرو زیرسلطه اش بوده است. اما آیا به راستی حقیقت تنها همین است؟

آمریکا است. این مجسمه توسط تندیس ساز فرانسوی «فردریک اگوستوبارتولدی» طراحی و توسط «ژوزف پولیتزر» ساخته شده است.

گفته می شود الگوبرداری ساخت مجسمه از «تائیس» معشوقه اسکندر مقدونی است. اسکندر مقدونی جنگ های بسیاری را انجام داد که بزرگترین و مهمترین جنگ او نبرد با امپراتوری وسیع، قدرتمند و متمدن هخامنشیان بود که در نهایت با شکست سپاه داریوش و پیروزی اسکندر به پایان رسید. در شب پیروزی اسکندر و افسران در تخت جمشید (پرسپولیس) قصر باشکوه ایرانیان جشن بزرگی برپا کردند. اسکندر همواره در سفرهای خود یک گروه از زنان را همراه خود می آورد تا بساط عیش و نوش خود و فرماندهان سپاهش گسترده باشد. یکی از این زنان کنیزی اورشلیمی به نام «تائیس» بود که به خاطر زیبایی به دربار اسکندر راه یافته بود. وی که با آمدن شاهزاده

تندیس آزادی که نام رسمی آن «آزادی روشنگر جهان» است، مجسمه بزرگی است که در سال ۱۸۸۶ میلادی توسط فرانسه به ایالات متحده آمریکا هدیه داده شده است و نماد زنی است که از قید و بند استبداد آزاد شده است.

مجسمه به شکل زنی است ایستاده، در حال گام برداشتن، با پوشش رومی که دور سرش را هفت اشعه نورانی فراگرفته است که سمبل هفت قاره یا هفت اقیانوس جهان است. او با دست چپ خود یک لوح سنگی را نگه داشته و با دست راست خود مشعلی فروزان را بالای سر خود نگه داشته است. روی لوح سنگی با شماره های رومی عبارتی نوشته شده که نشانگر ۴ ژوئیه ۱۷۷۶، تاریخ استقلال

ریحانه، نشریه کنگره فاطمی، هیات الزهرا (س) دانشگاه صنعتی شریف

صاحب امتیاز: هیات الزهرا (س) دانشگاه صنعتی شریف

مدیر مسئول: محدثه کاظمی سر دبیر: مبینا فلاحي

همکاران این شماره: رویا احمدیان، فائزه اسکندری، مهسا اکبری،

ریحانه قنبری، زینب محبی، ریحانه مشهدی

ویر استار: فاطمه ناصر رنجبر

راه های ارتباطی: @azzahraasharif

@sharifdokht

www.azzahrasharif.ir

آیدی ارتباط با ما: @reyhane_sharif

